

واکاوی مفهومی فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی^۱

سیدعبدالله میرخندان (نویسنده مسئول)^۲

حسن خیری^۳

چکیده

سرگرمی مدرن، سنتی و اسلامی دارای نقاط اشتراک و افتراقی هستند که باید مرز آنها با هم مشخص شود تا بتوان احکام اسلامی پیرامون آن را دریافت. پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی، در پی روشن ساختن مفاهیم فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی است. از دیدگاه اسلامی در مفهوم سرگرمی حالت نفسانی و گذران اوقات فراغت وجود دارد که به صورت اختیاری (فعالانه یا منفعلانه) بدون شأنیت انتفاع بردن صورت می‌گیرد و از آنجاکه انسان تا زمانی که عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد، مسئولیت نیز دارد، سرگرمی مستلزم رهایی از وظایف اساسی خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی انسان نیست. در منابع اسلامی برخی واژه‌ها مانند لهو و لعب با سرگرمی قرابت مفهومی دارند. در فرهنگ و حیانی لهو مؤلفه‌های مفهومی سرگرمی را دارد؛ افزون بر آنکه به‌خودی‌خود امر نكوهیده‌ای نیست. لعب نیز دربرگیرنده‌ی برخی عناصر مفهومی سرگرمی است و از دیدگاه اسلامی لعب به‌خودی‌خود نكوهیده نیست. مفهوم لغو؛ اما به‌خودی‌خود دارای بار مفهومی منفی بوده، سرگرمی ناروا از مصادیق آن به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: سرگرمی، اوقات فراغت، لهو، لعب، لغو

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

۲. نویسنده مسئول؛ سطح ۴ حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی از موسسه اخلاق و تربیت؛

abdollahmirkhandan@yahoo.com

۳. دانشیار و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی قم؛ دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد؛ hassan.khairi@gmail.com

۱. مقدمه

با پیشرفت جوامع بشری و گسترش رفاه و نهضت‌های فراغت‌خواهی در این جوامع، رفته‌رفته سرگرمی و اوقات فراغت بیش از گذشته مورد توجه عموم مردم و صاحب‌نظران قرار گرفت. یکی از برجسته‌ترین چالش‌ها درباره‌ی سرگرمی تعریف مفهوم فراغت و سرگرمی است؛ چراکه وقتی موضوعی دارای ابهام باشد، همه‌ی احکام، چه احکام توصیفی و چه احکام تجویزی (و احکام تجویزی چه احکام فقهی، چه احکام حقوقی و چه احکام اخلاقی) پیرامون آن نیز دوپهلوی خواهند بود. در این مقاله افزون بر توجه به چالش‌ها، معنا و مفهوم فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی بررسی می‌گردد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره‌ی مفهوم‌شناسی سرگرمی و فراغت می‌توان از پژوهش‌هایی نام برد. برخی از پژوهش‌ها که به‌کلی عاری از دیدگاه‌های اسلامی هستند، به مفهوم مدرن سرگرمی پرداخته‌اند؛ ازجمله:

- کتاب «دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی» که به کوشش ویلیام داریتی تدوین شده است، ذیل مدخل فراغت توضیحاتی درباره‌ی مفاهیم کار، فراغت و سرگرمی ارائه می‌کند. مقاله پیش‌رو دیدگاه‌های نویسنده درباره‌ی این مفاهیم را نقد و دیدگاه‌های اسلامی را در این زمینه مطرح می‌کند.

- در کتاب «قرن توده‌های فراغت سرگرمی و دگرگونی آمریکای قرن بیستم» نوشته جورج سوردام مباحثی چون تعاریف اوقات فراغت، تاریخچه و نگرش‌ها درباره اوقات فراغت، اقتصاد اوقات فراغت و الگوهای اوقات فراغت برای جوانان و سالمندان بیان شده است. در این مقاله مباحثی چون تعاریف کار و فراغت و رابطه دوسویه‌ی آنها با یکدیگر از این کتاب نقل و از دیدگاه اسلامی مورد نقد واقع شده است.

- از ژوفر دومازدیه جامعه‌شناس فرانسوی دو مقاله با عناوین «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناختی» و «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت» به فارسی ترجمه شده است. در مقاله نخست مطالبی مرتبط با موضوع این پژوهش وجود دارد؛ ازجمله تعریف فراغت امروزی و بررسی ناهمگونی آن با مفهوم سنتی فراغت که پژوهش پیش‌رو، معیارهای اسلامی در این زمینه را بر این تعاریف می‌افزاید.

- در کتاب «جامعه‌شناسی فراغت» نوشته‌ی استانلی پارکر به بررسی مفاهیم کار و فعالیت فراغتی و رابطه بین این دو پرداخته شده است. در این کتاب بخشی به رابطه مذهب (به معنای آنچه در اروپا در گذشته رواج داشته) و فراغت اختصاص داده شده است. پژوهش پیش‌رو با توجه به نقش حداکثری دین در زندگی، در بحث مذهب و سرگرمی، به بررسی معیارهای اسلامی در زمینه‌ی مفهوم سرگرمی پرداخته است.

- کتاب «جامعه‌شناسی کار» نوشته‌ی ساموئل کینگ مباحث گوناگونی را درباره‌ی کار مطرح کرده



است که مطالب مربوط به این پژوهش، درباره‌ی مفهوم کار و تقابل آن با فعالیت فراغتی است. این کتاب نیز به معیارهای اسلامی در زمینه‌ی مفهوم سرگرمی توجه ندارد و پژوهش پیش رو دیدگاه‌های اسلامی را در این زمینه روشن می‌کند.

در برخی از پژوهش‌ها نیز به طور ضمنی، درباره‌ی مفهوم سرگرمی از دیدگاه اسلامی بحث شده است. از جمله:

- کتاب «سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی - ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی» نوشته‌ی حسین شرف‌الدین که پیش از آن بخش‌هایی از کتاب به صورت مقالاتی به چاپ رسیده است. موضوع اصلی این کتاب، مفهوم‌شناسی فراغت و سرگرمی با رویکرد اسلامی نیست و در آنها دیدگاه اسلامی درباره‌ی مفاهیم مرتبط با سرگرمی به صورت ضمنی بررسی شده است. یکی از این مقالات، مقاله «سرگرمی و لهو در قرآن کریم» است که با مطالب کتاب ایشان همپوشانی داشته و بحث‌های کمابیش جامع و پر دامنه‌ای پیرامون مفاهیم لهو، لعب، لغو، قول زور و عبث را مطرح می‌کند. پژوهش پیش رو برخی مفاهیم مانند کار، اوقات فراغت و نیز سرگرمی که در این مقاله بررسی نشده است را چه از دیدگاه اسلامی و چه از دیدگاه ریشه غیر اسلامی آن بررسی و به رابطه آنها با هم می‌پردازد. افزون بر اینکه در تعریف مفاهیم لهو و لعب و لغو نیز دیدگاه نگارنده با مقاله یاد شده تفاوت‌هایی دارد.

- مقاله «مفهوم‌شناسی لهو، لعب و لغو و مصادیقی از آنها» نوشته‌ی منصوره باقری پور، سیدعلی پورمنوچهری، نصرت‌الله صابری که در آن به کاربرد سه واژه لهو، لعب و لغو در منابع اسلامی پرداخته و واژه لهو را بر بکارگیری نامعقول از فضای مجازی در دنیای کنونی تطبیق و توضیح داده است. پژوهش پیش رو با بررسی مفاهیمی مانند کار، اوقات فراغت، سرگرمی چه از دیدگاه اسلامی و چه از دیدگاه ریشه غیر اسلامی آن و نیز رابطه این مفاهیم با هم، نسبت به اثر فوق، جنبه‌ی نوآورانه دارد. افزون بر اینکه در تعریف مفاهیم لهو و لعب و لغو نیز دیدگاه نگارنده با مقاله یاد شده متفاوت است.

- در کتاب «همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی» کاری از احمدحسین شریفی در فصلی با عنوان سبک زندگی اسلامی در اوقات فراغت، به معیارهای اسلامی در تعریف فعالیت فراغتی اشاره گردیده؛ اما درباره‌ی مفهوم سرگرمی به تفصیل بحث نشده است.

۱-۲. روش‌شناسی

روش واکاوی داده‌های این پژوهش، روش توصیفی تحلیلی است که واکاوی داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای کیفی است؛ چراکه در این پژوهش متن روایات و متون گوناگون اسلامی و غیر اسلامی به‌گونه‌ای غیر کمی واکاوی می‌شوند.

درباره‌ی روش بررسی مفهومی فراغت و سرگرمی باید توجه داشت همان‌گونه که در علم فقه گفته

شده، موضوعات بر اساس تشخیص دهنده آنها به سه بخش تقسیم می‌شوند:

- ۱) موضوع مخترع و مستنبط شرعی، مانند صوم و صلوات
- ۲) موضوع مستنبط عرفی که شارع با تصرفاتی آن را ارائه می‌کند؛ مانند ربا و صعید
- ۳) موضوع عرفی صرف، مانند آب مطلق و مضاف (فرحناک، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

هرچند مفهوم‌شناسی واژگان وابسته با سرگرمی در منابع اولیه اسلامی در این مقاله در حوزه‌های گوناگون فقهی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و ... قابل بهره‌برداری است و از این حیث بحث مفهوم‌شناسی در این پژوهش عام‌تر از موضوع‌شناسی در علم فقه است؛ اما به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی بالا درباره‌ی همه‌ی این حوزه‌ها صادق است. از دیدگاه نگارنده مفاهیم کار، اوقات فراغت و سرگرمی و نیز مفاهیم وابسته به آنها در منابع اولیه اسلامی، مستنبط عرفی هستند؛ یعنی مرجع در تعریف این مفاهیم عرف و معیارها و تصرفات شارع در این مفاهیم است؛ از این‌رو در این پژوهش، درباره‌ی واژگان لهو، لعب و لغو که در عصر معصومین علیهم‌السلام وجود داشته‌اند، لغتنامه‌هایی که استعمال واژه‌ها در صدر اسلام را ملاحظه کرده‌اند و نیز آیات و روایات و نظرات متفکران مسلمان در این زمینه بررسی می‌شود و برای روشن شدن معنای مفاهیم کار، اوقات فراغت و سرگرمی که مفاهیمی نوظهور شمرده می‌شوند، عرف خاص و اصطلاحی متفکران جهان امروز (به‌طور ویژه در جامعه‌شناسی)، بررسی می‌شود. بر این اساس با مقایسه و تطبیق ویژگی‌های مفاهیم لهو، لعب و لغو در نسبت با تعاریفی که در عرف خاص و اصطلاحی متفکران جهان امروز درباره‌ی کار، اوقات فراغت و سرگرمی مطرح شده و نیز دیگر آموزه‌های اسلامی موجود در این زمینه، تعریفی نوینی از مفاهیم امروزی فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی به مخاطب ارائه می‌شود.

۲. کار

کار معادل واژه انگلیسی Job است. برخی از تعاریف سرگرمی، برآمده از شناخت رابطه کار با مفهوم فراغت است.

برخی کار را به اشتغال دستمزدی (مزدوری) تعریف کرده‌اند (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۱۵؛ یارلی و بروس، ۲۰۰۶، ص ۱۷۱؛ سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۱). نقطه‌ضعف این تعریف، مشخص نبودن کار دستمزدی از غیر آن است؛ به‌عنوان نمونه با اینکه کارهای خانگی لازم و ضروری‌اند، دستمزدی در قبال آن‌ها پرداخت نمی‌شود، ولی به همین کارها در شرکت‌های خدماتی یا هتل‌ها، مزد تعلق می‌گیرد (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۱۵؛ یارلی و بروس، ۲۰۰۶، ص ۱۷۱؛ سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۱)؛ علاوه بر این مورد، در کارهای خیریه که در حالت عادی، در قبال آن‌ها مزدی دریافت می‌شود نیز، مرز بین کار دستمزدی از غیر آن مشخص نیست (سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۱). برای روشن‌تر شدن تعریف کار و برطرف کردن ضعف مذکور به نظر می‌رسد کار را باید به



فعالیتی که در قبال آن، شأن دستمزد دریافت کردن وجود داشته باشد، تعریف کرد؛ بنابراین فعالیت‌های مربوط به امور خیریه و کارهای خانگی که شأنیت دریافت دستمزد به ازای آن وجود دارد، کار به شمار می‌روند؛ اگرچه دستمزدی به فرد پرداخت نشود.

بعد از مشخص شدن تعریف کار، مسئله مهم، مشخص کردن رابطه فراغت با کار و تعیین ارزش هرکدام از آن‌ها در مقایسه با هم است. به باور برخی صاحب‌نظران تنها مفهوم ثابت فراغت، در رابطه دوسویه‌ی آن با کار است. تبارشناسی این واژه همین را نشان می‌دهد. کلمه یونانی برای کار a-scholia، به معنی «بدون فراغت» با رابطه منفی آن با فراغت (scholê) تعریف شده، همان‌گونه که در زبان لاتین نیز کار به neg-otium (بدون فراغت) در رابطه با otium (فراغت) تعریف شده است (داریتی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۰۸)؛ بنابراین دیدگاه، فراغت نخست و بیش از هر چیز دربرگیرنده‌ی آزادی از کار مزدگیرانه در محل کار است (دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۷).

به اعتقاد پارکر در جوامع صنعتی امروز، ارزش فراغت تابع ارزش کار است و بدون کار، فراغت معنا و مفهومی ندارد (کلارک و کریچر، ۱۹۸۵، ص ۲۰).

برخلاف پارکر، برخی باور دارند در جوامع صنعتی و فراصنعتی فراغت ارزش گوهری داشته و کار تنها به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به فراغت بیشتر، ارزش دارد. این امر بدین علت است که در این جوامع هویت اجتماعی بیشتر با مصرف کردن مشخص می‌شود و بر این اساس ارزش فراغت به‌عنوان یکی از مظاهر فرهنگ مصرف، تابع ارزش کار نیست (یارلی و بروس، ۲۰۰۶، ص ۱۷۱؛ توسلی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶-۱۲۷).

در تحلیل سخنان فوق باید گفت مجزا بودن کار از فراغت، از اموری است که در دوران صنعتی شدن جوامع رخ داده و در این جوامع فراغت ارزش بیشتری یافته است؛ اما نکته‌ی برجسته، داوری ارزشی درباره‌ی آن است. باید گفت در تفکر اسلامی مهم‌تر شمردن فعالیت‌های فراغتی (در مقابل کار و سایر اهداف زندگی) نادرست است و فعالیت‌های فراغتی فقط به‌عنوان بخشی از سبک زندگی اسلامی دارای اهمیت هستند. افراط در پرداختن به سرگرمی و عدم توجه به دیگر مسئولیت‌ها و وظایف، فرد را به‌سوی بیهودگی و بی‌مسئولیتی می‌کشاند.

۳. اوقات فراغت

بررسی‌های علمی درباره‌ی مفهوم سرگرمی بیشتر در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی صورت گرفته است. در این علوم مفهوم سرگرمی در ذیل عناوینی مانند اوقات فراغت بررسی شده است. در بعضی از استعمالات نیز، سرگرمی به دلیل اینکه در اوقات فراغت رخ می‌دهد، فعالیت فراغتی دانسته شده است. فراغت معادل واژه انگلیسی leisure به زمان صرف شده یا آزاد برای استراحت یا لذت تعریف شده است. ریشه‌ی این واژه در انگلیسی میانه از واژه‌ی فرانسوی کهن leisir و آن از ریشه‌ی لاتینی licere به



معنای مجاز بودن گرفته شده است (لغتنامه فشرده الکترونیکی آکسفورد، ذیل واژه leisure). در تعریف دیگر افزون بر اشاره به اینکه در بیشتر تعاریف، اوقات فراغت در برابر کار تلقی می‌شود، گفته شده می‌توان اوقات فراغت را تفریح برای رفع خستگی ناشی از کار، هدف کار و پاداش کار دانست (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۰۹).

بر اساس این تعاریف، فعالیت فراغتی اعم از سرگرمی‌هاست و دربرگیرنده‌ی مطلق فعالیت‌های فرد در اوقات خارج‌شده از بار کار مانند وظایف خانوادگی، خوردن و خوابیدن، رسیدگی به امور خانه، انجام عبادات و مناسک مذهبی و مانند آن می‌شود. می‌توان اوقات خارج‌شده از بار کار را که در آن فعالیت‌هایی با گرایش‌های شخصی و اهداف خاص انجام می‌شود، وقت آزاد نیز، نامید.

بعضی از متفکران اوقات فراغت و وقت آزاد را متفاوت از هم می‌دانند. ایشان برای تعریف اوقات فراغت، زمان‌های اختصاص داده شده به رفت‌وآمد، فعالیت‌های مربوط به امور بهداشتی و نگهداری از بدن، فعالیت‌های شغلی، رسیدگی به امور منزل و مراقبت از فرزندان را از اوقات فرد کم می‌کنند (پارکر، ۱۹۷۶، ص ۱۷؛ سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۶). بر اساس این دیدگاه اوقات فراغت ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که در دیگر اوقات وجود ندارد، از جمله اینکه موجب رهایی از وظایف اساسی‌ای می‌شود که هدف و انگیزه‌ی خاصی ندارد؛ وظایفی که گونه‌های بنیادی سازمان اجتماعی مانند خانواده، اجتماع و مذهب آن را مقرر می‌کنند (نک به: دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۶-۱۹).

در تعریف اخیر، فعالیت فراغتی، همان سرگرمی تلقی شده و معنای آن از وقت آزاد محدودتر است و مواردی مانند مناسک مذهبی، مراقبت از سلامتی خود، غذا خوردن، خوابیدن، عبادت کردن و یا مانند آن را دربرنمی‌گیرد و به رهایی فرد از وظایف اساسی مانند وظایف فرهنگی، مذهبی، خانوادگی، اجتماعی منجر می‌گردد.

برخی در نقد این‌گونه تعاریف گفته‌اند فراغت به معنای اوقات بیکاری و بی‌مسئولیتی نیست و مادامی که فرد، عقل، قدرت، آگاهی و اختیار دارد، مسئولیت نیز دارد؛ بر این اساس اوقات فراغت، هیچ‌گاه به معنی اوقات بی‌مسئولیتی و رهایی از تعهدات اساسی نیست (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۷۱). نکته‌ی دیگر در نقد این تعریف این است که از دیدگاه اسلامی، سرگرمی‌های مورد تأیید اسلام دارای هدف هستند و استفاده از سرگرمی‌های مدرن موجود در زمان حاضر با اهداف متعددی چون ابراز عقاید سیاسی، کنترل افکار عمومی، تربیت، آموزش، جامعه‌پذیری، توسعه اقتصادی، رفع مشکلات و مانند آن مقدور و با شرایطی مطلوب نیز هست. روشن است این اهداف شامل اهداف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌شوند.

درنهایت باید گفت در این پژوهش مقصود از فعالیت فراغتی همان سرگرمی است و وقت آزاد مفهومی وسیع‌تر از اوقات فراغت و سرگرمی دارد و اموری چون مراقبت از سلامتی خود، غذا خوردن،



خوایدن، فعالیت فراغتی و سرگرمی به شمار نمی‌روند؛ همچنین بر اساس آموزه‌های اسلامی فعالیت‌هایی مانند عبادات و مناسک اسلامی، با اینکه کارکردهایی شبیه کارکردهای سرگرمی دارند و مایه‌ی خودشکوفایی، خودیابی، بهجت و شور و مانند آن می‌شوند، سرگرمی شمرده نمی‌شوند؛ حتی در برخی روایات معصومان علیهم‌السلام فعالیت‌هایی مانند مناجات با خدا و هم‌نشینی با دوستان هم‌ردیف با فعالیت‌های کاری و پرداختن به لذات حلال که شامل فعالیت‌های فراغتی نیز می‌شود، برشمرده شده‌اند؛ مانند روایتی از امام کاظم علیه‌السلام که می‌فرماید: سعی کنید وقت شما چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای کار زندگی، بخشی برای انس و هم‌نشینی با دوستان مورد اعتمادی که شما را از عیب‌هایتان آگاه نمایند و در باطن در دوستی با شما خالص و یکترو باشند و بخشی که در آن لذات حلال بهره می‌گیرید که با این بخش اخیر برای سه بخش دیگر نیرو و توانایی می‌آید ... به وسیله برآوردن خواسته‌های حلالی که مروت و جوانمردی شما را از بین نمی‌برد و در انجام آن اسراف انجام نگیرد، از دنیا بهره‌مند شوید و به مدد آن به انجام وظایف دینی خود کمک کنید، چه [از پدران من] روایت شده است که: «از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش ترک کند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۹-۴۱۰). در این روایت بخش چهارم که در مورد لذات حلال است و شامل سرگرمی‌ها نیز می‌شود هم‌ردیف باقی امور مانند مناجات با خدا، امور کاری، هم‌نشینی با دوستان قرار گرفته است.

۴. سرگرمی

سرگرمی معادل واژه‌های انگلیسی Amusement و Entertainment است. برای واژه Amusement دو معنا گفته شده است؛ معنای اول حالت یا تجربه یافتن چیزی خنده‌دار و معنای دوم لذت بردن از سرگرمی یا ارائه آن. در معنای Entertainment گفته شده: عمل فراهم شدن یا فراهم کردن لذت یا سرگرمی؛ یک رویداد یا اجرا که برای سرگرمی طراحی شده است (لغتنامه فشرده الکترونیکی آکسفورد، ذیل واژگان Amusement و Entertainment). از دقت در تعریف این دو واژه به دست می‌آید که Amusement حالت و وصفی است که در انسان با عنوان سرگرمی (به‌منزله حاصل مصدر) رخ می‌دهد؛ اما Entertainment ابزار و تمهیداتی است که به‌وسیله آنها، سرگرمی به وجود می‌آید. پیش از بیان تعاریف اصطلاحی سرگرمی، باید اذعان کرد سرگرمی امری اجتماعی و تاریخ‌مند است و مفهوم آن از مفاهیم عرفی است که تابع کاربردهای عرفی هستند و تعریف ماهوی دقیقی ندارند.

بعضی گفته‌اند واژه Entertainment از ریشه‌ی لاتین inter به معنی «بین» یا «در بین» و tenere به معنی «نگه داشتن» گرفته شده است و به همین جهت سرگرمی به «نگه‌داشتن چیزی» یا «نگه‌داشتن متقابل چیزی» معنا می‌شود. در حقیقت سرگرمی یک رابطه اجتماعی بوده و یا دست‌کم به روابط



اجتماعی ارتباط دارد. ایشان در توصیف ویژگی‌های سرگرمی‌های مدرن و رایج در جوامع صنعتی گفته‌اند این نوع سرگرمی‌ها کالای فرهنگی هستند که فرد به صورت آزادانه و بدون هدف جدی برای ایجاد آسودگی و لذت ذهن یا روح به آن‌ها می‌پردازد و موجب بازسازی جامعه و نتایج نامشخص و غیرقطعی می‌شوند (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۴۵۴۰-۴۵۴۱).

به نظر می‌رسد ویژگی‌های سرگرمی‌های مدرن و رایج در جوامع صنعتی، در این تعریف به درستی بیان شده است؛ با این حال این تعریف از منظر اسلامی قابل نقد است؛ چراکه کالا دانستن سرگرمی و سایر محصولات فرهنگی، امری اشتباه است. متأسفانه در اکثر سرگرمی‌های مدرن، شکل و فرم مهم‌تر از محتوای آن‌هاست؛ همچنین تولید و عرضه آن‌ها بر اساس منفعت مادی برای تولیدکننده و ایجاد خوشی‌های آنی برای مصرف‌کننده شکل می‌گیرد که این مشکلات، از تقلیل جایگاه محصولات فرهنگی به کالاهایی قابل معامله ناشی می‌شود. دسته‌ی دیگر انتقادات به سرگرمی‌های مدرن از دیدگاه اسلامی، عدم توجه به اهداف سرگرمی‌هاست که در تعریف مذکور به آن اشاره شده است. همچنان که در ادامه گفته خواهد شد، از دیدگاه اسلامی سرگرمی مطلوب، هدفمند است.

اما در برخی دیگر از تعریف‌ها، سرگرمی ذیل عنوان فعالیت فراغتی تعریف شده است. مثلاً برخی گفته‌اند فعالیت فراغتی، فعالیتی بدون هدف خاص است که خستگی ناشی از فعالیت‌های ملال‌آور و تکراری را رفع می‌کند و فرد را از وظایف اساسی خود مانند وظایف فرهنگی، مذهبی، خانوادگی، اجتماعی رها کرده و موجب فراتر رفتن از خود و مخالفت با ارزش‌های مسلط تمدن خویش می‌شود (دومازدی، ۱۳۵۲، ص ۱۶-۱۹). در این تعریف به برخی عناصر مفهومی سرگرمی مانند رابطه کار با سرگرمی، قصد فرد سرگرم‌شده، سودمندی‌ها و کارکردهای سرگرمی و ارزش و جایگاه سرگرمی‌ها اشاره شده است.

نکته دیگر در تعریف سرگرمی بررسی تفاوت میان مفهوم سرگرمی در جوامع صنعتی و نیمه‌صنعتی و مفهوم اسلامی آن است؛ این تفاوت ناشی از آن است که تعریف سرگرمی گاهی در بردارنده دیدگاه‌هایی در مورد ارزش‌ها و معیارهای متعدد فرهنگی است؛ به عنوان نمونه اینکه سرگرمی به تکامل انسان کمک می‌کند مستلزم دیدگاهی در خصوص ارزش تکامل انسان و معیارهای آن است. در امثال این موارد ممکن است دیدگاه اسلامی با دیدگاه‌های معمول در میان متفکران امروزی متفاوت باشد.

به اعتقاد نگارنده برخی عناصر مفهومی برای تعریف سرگرمی امروزی و سرگرمی اسلامی به این شرح است: ارتباط مفهومی بین سرگرمی و کار، ارتباط مفهومی بین سرگرمی و اوقات فراغت، درونی یا بیرونی بودن سرگرمی، انگیزه فرد سرگرم‌شده، اقسام سرگرمی، مزایا و کارکردهای سرگرمی و جایگاه و اهمیت سرگرمی.

اکنون به طور خلاصه این عناصر توضیح داده می‌شود و در انتها نیز، بر اساس آن‌ها، سرگرمی اسلامی تعریف می‌شود.



از جمله عناصری که تعریف سرگرمی را روشن‌تر می‌کند، ارتباط مفهومی آن با کار است. همان‌طور که در بخش مفهوم‌شناسی کار ذکر شد، سرگرمی‌های رایج در عصر حاضر، در اوقات غیرکاری انجام‌شده و در ازای انجام آن‌ها، شأنیت دستمزد گرفتن وجود ندارد؛ بر این اساس سرگرمی‌های رایج در عصر حاضر غیرانتفاعی و غیرمزدوری به شمار می‌روند؛ در خصوص معیار در مورد اینکه در قبال کدام یک از فعالیت‌ها شأنیت دستمزد گرفتن وجود دارد، نیز باید گفت شرع و قوانین اسلامی می‌توانند تعیین‌کننده این شأنیت باشند؛ به‌عنوان نمونه، به دلیل اینکه از نگاه فقه اسلامی، شأنیت دستمزد گرفتن در قبال فعالیت‌های زنان در خانه، وجود دارد، این فعالیت‌ها، کار به شمار می‌آیند.

ارتباط مفهومی سرگرمی با اوقات فراغت از جمله دیگر عناصری است که تعریف سرگرمی به کمک آن مقدور است. بدین خاطر که اوقات فراغت ظرف زمانی سرگرمی است گاه فعالیت فراغتی و سرگرمی با هم مترادف فرض شده‌اند. درحالی‌که بعضی بر تمایز آن با سرگرمی تأکید می‌کنند و معتقد هستند مساوی دانستن فعالیت‌های فراغتی با سرگرمی، از جمله چالش‌های برنامه‌ریزی اوقات فراغت است (دامرودی، ۱۳۸۹، ص ۴۵)؛ همان‌طور که در مفهوم‌شناسی اوقات فراغت توضیح داده شد فعالیت فراغتی با سرگرمی مترادف و هم‌معنا است.

از جمله عناصر روشن‌کننده‌ی مفهوم سرگرمی، درونی یا خارجی بودن آن است. به نظر می‌رسد سرگرمی هم حالتی نفسانی و درونی و هم فعالیتی خارجی و بیرونی به شمار می‌رود؛ چراکه سرگرمی موجب ایجاد انفعال و حالت سرگرم‌شدگی در نفس و درون ما می‌شود؛ بنابراین از این جهت یک امر درونی است که همان معادل Amusement است؛ اما از این حیث که این حالت نفسانی از عالم واقعی و فعالیت یا شیء خارجی حاصل می‌شود، فعالیت عینی و امری بیرونی محسوب می‌شود که همان معادل Entertainment است. این عنصر مفهومی بین سرگرمی مورد تأیید اسلام و سرگرمی امروزی مشترک است.

از دیگر عناصر روشن‌کننده مفهوم سرگرمی، نیت و قصد آن است. گاه با تغییر انگیزه اعمال، ماهیت آن اعمال عوض می‌شود؛ مثلاً افرادی که شغلشان با سرگرمی‌ها مرتبط است، مثل افرادی که ورزش حرفه‌ای انجام می‌دهند، فعالیت‌هایشان سرگرمی به شمار نمی‌رود؛ چراکه انگیزه این افراد از انجام این کارها، به دست آوردن درآمد است و حتی امکان دارد با اکراه این اعمال را انجام دهند.

کارکردهای سرگرمی از دیگر عناصر مفهومی مؤثر در تعریف سرگرمی است؛ برخی از این کارکردها عبارتند از: برطرف کردن خستگی، شکوفا کردن استعدادهای فردی و اجتماعی، ایجاد تنوع و تفنن، ایجاد خرسندی و شادی. از منظر اسلامی نیز، در صورتی این کارکردها به صورت مطلوب محقق می‌شوند که با ضوابط و شرایط اسلامی مطابق باشند؛ مثلاً گاهی انگیزه فرد مشغول شده به سرگرمی‌ها رهایی از تکالیف و مسئولیت‌هاست و یا گاهی به نیت جبران توهمی ناکامی‌های زندگی و دهن‌کجی به قاعده‌مندی‌های محیطی به سرگرمی‌ها پرداخته می‌شود که در این موارد کارکردهای

سرگرمی از منظر اسلامی نکوهیده و ناروا هستند (باهر و شرف‌الدین، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳-۱۸۴) و بر اساس نظام ارزشی اسلام می‌توان آنها را به‌عنوان کژکارکرد تلقی کرد.

عنصر مفهومی دیگر، جایگاه و اهمیت سرگرمی‌ها در مقایسه با دیگر کارهای انسان است. در جوامع صنعتی، به علت زندگی ماشینی و مشکلات ناشی از آن، سرگرمی تبدیل به یک نیاز اجتناب‌ناپذیر شده است تا جایی که برخی پیش‌بینی کرده بودند که پیش از پایان قرن بیستم، اوقات فراغت (به‌عنوان ظرف وقوع سرگرمی‌ها) جایگزین اقتصاد به‌عنوان دغدغه اصلی بشریت می‌شود؛ هرچند این پیش‌بینی محقق نشد (داریتی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۰۹)؛ اما باید توجه داشت در دیدگاه اسلامی از اساس چنین هدفی مطلوب نیست و سرگرمی چنین جایگاهی ندارد، بلکه پرداختن به سرگرمی تنها قسمت محدودی از سبک زندگی اسلامی است که باید در راستای اهداف و تکالیف دینی باشد.

از دیگر عناصر روشن‌کننده مفهوم سرگرمی اقسام آن است. می‌توان سرگرمی را چه به معنای سنتی و اسلامی و چه به معنای مدرن آن، به دو نوع فعال و منفعل تقسیم کرد. مقصود از سرگرمی فعال، سرگرمی‌ای است که شامل فعالیتی خلاقانه و مولد باشد؛ مثل بازی‌های مربوط به دوران کودکی و مقصود از سرگرمی منفعل، سرگرمی‌ای است شامل فعالیتی خلاقانه و مولد نباشد بلکه بیشتر به‌منظور گذراندن وقت، وقت‌کشی، رهایی از یکنواختی و مشغول بودن انجام شود؛ مانند دیدن فیلم و گوش دادن به موسیقی. سرگرمی‌های منفعل بخش عمده‌ای از سرگرمی‌های مدرن را تشکیل می‌دهند. از منظر اسلامی سرگرمی‌های منفعل، به‌خودی‌خود مطلوب نیستند و در صورتی که به‌عنوان نمونه باعث تجدیدقوا برای انجام سایر اعمال شوند مطلوبیت خواهند داشت.

بنابراین طبق تعالیم اسلامی می‌توان سرگرمی را این‌گونه تعریف کرد:

«فعالیتی در اوقات فراغت و حالت نفسانی است که با اختیار به صورت فعالانه و یا منفعلانه، بدون شأنت دستمزد گرفتن در قبال آن، به انگیزه مقاصدی مانند ایجاد خرسندی و تفریح، تفنن و تنوع، شکوفایی فردی و اجتماعی، برطرف کردن خستگی و رهایی از یکنواختی انجام می‌شود. سرگرمی موجب رهایی از مسئولیت‌های اساسی خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی انسان نمی‌شود؛ چراکه تا زمانی که انسان عقل، قدرت، اختیار و آگاهی دارد، مسئولیت نیز خواهد داشت».

۵. لهُو

بررسی دیدگاه اسلام درباره‌ی سرگرمی وابسته به بررسی مفاهیم معادل یا مرتبط با آن در منابع دینی است. به نظر می‌رسد لهُو و سرگرمی از لحاظ مفهومی با هم قرابت و نزدیکی دارند؛ از این‌رو مفهوم لهُو در منابع دینی جستجو می‌شود. در صورتی که قرابت مفهومی بین لهُو و سرگرمی اثبات گردد می‌توان احکام شرعی در خصوص لهُو را شامل سرگرمی‌های رایج در عصر حاضر نیز دانست. گذشته از این،



دانستن معنای لهو موضوع مهمی در آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود و بسیاری از تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص سرگرمی‌ها، در بین متفکران مسلمان، به دلیل روشن نبودن مفهوم لهو است. بعضی از متفکران مسلمان معتقدند معنای لهو شامل لهو مباح و لهو حرام و ناروا می‌شود و بعضی لهو را مطلقاً حرام و نکوهیده دانسته‌اند.

تفاوت دیدگاه‌ها در مورد لهو از این‌روست که لهو از مفاهیم عرفی و اجتماعی به شمار می‌رود و برای مشخص شدن معنای آن باید فهم عرف و جامعه صدر اسلام و نیز آیات و روایات موجود در خصوص آن را در نظر گرفت؛ بنابراین همچنان که در بخش روش‌شناسی نیز اشاره شد، در واکاوی مفهومی لهو، کتاب‌های لغتی که کاربرد لغات را در دوران جاهلی و صدر اسلام بررسی کرده‌اند و نیز آیات و روایات پیوسته به آن بررسی می‌گردد.

در تعریف لغوی لهو گفته شده است:

- هرچه که موجب می‌شود انسان از هدفش و آنچه به آن توجه دارد، بازماند (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲، ص ۷۴۸).

- گرایش به چیزی و لذت بردن از آن، بدون در نظر گرفتن پیامد آن (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۰،

ص ۲۶۴).

- چیزی را به خاطر چیز دیگر ترک کردن و از چیزی به چیز دیگر مشغول شدن (ابن‌فارس، ۱۴۰۴،

ج ۵، ص ۲۱۳).

در این تعاریف نکاتی وجود دارد که مفهوم لهو را نزدیک به مفهوم سرگرمی می‌سازد:

- لهو هم به معنای مصدری، یعنی مشغول شدن به کار می‌رود^۱ و هم به معنای آنچه (کار یا چیزی)

که با آن مشغول شدن، صورت می‌گیرد.^۲

- در مفهوم لهو اشتغال به کار غیرجدی به انگیزه‌ی لذت‌جویی اشاره شده است.

- لهو موجب غفلت از کارهای دیگر می‌شود.

سرگرمی نیز چنین ویژگی‌هایی دارد؛ اما نکته‌ی برجسته این است که لهو موجب غفلت از چه

چیزی می‌شود؟ چنانچه در لهو، علاوه بر امور مطلوب، امور نامطلوب هم مورد غفلت واقع شود،

مفهوم لهو افزون بر سرگرمی نکوهیده با سرگرمی مطلوب نیز قرابت خواهد داشت و معنای ممدوح را

نیز، در برمی‌گیرد. تعریف آخر از تعریف‌هایی که ذکر شد، این معنی را تأیید می‌کند؛ به دلیل اینکه در

این تعریف لهو به مطلق اشتغال از چیزی به چیز دیگر معنا شده است.

۱. در تعاریف مفردات راغب و المیزان مرحوم علامه طباطبایی

۲. در تعاریف مقاییس اللغة ابن فارس و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم مرحوم مصطفوی

در مقابل این احتمال، برخی مثل علامه طباطبایی بر این اعتقادند که لهُو موجب می‌شود انسان از کار مفید و مهمش غافل شود؛ طبق این معنا غفلت از امور مطلوبی مانند ذکر خدا، جزئی از مفهوم لهُو است و لهُو با سرگرمی‌های ناروا قرابت مفهومی داشته و سرگرمی‌های مطلوب، لهُو به شمار نمی‌روند؛ در ادامه این دو احتمال بررسی می‌شود.

در تأیید این دیدگاه که لهُو از اساس معنایی نکوهیده دارد، می‌توان به برخی روایات استناد کرد که لهُو را به خودی خود ناروا دانسته‌اند.

روایت اول: در روایتی از علی علیه السلام نقل شده است: لهُو مایه‌ی ویرانی کارهای برجسته و جدی می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۵).

روایت دوم: در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است: جلسات لهُو مایه‌ی فروپاشی ایمان است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۰۸).

اما در تأیید این دیدگاه که لهُو از اساس نکوهیده نیست، به برخی از آیات و روایات می‌توان استناد کرد.

برخی از آیات به این شرحند:

در سوره‌ی لقمان آمده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا (مردم را) بدون (هیچ) دانشی از راه خدا گمراه کنند و (راه خدا) را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود (لقمان، ۶).

با دقت در این آیه، مشخص می‌شود که لهو الحدیث به معنای سخنان سرگرم‌کننده است و گمراه شدن از راه خدا خارج از مفهوم لهُو است. توضیح اینکه در قید «لیضلّ عن...» دو احتمال وجود دارد: ۱. توضیحی بودن. به این معنا که قید اضلال در واقع توضیح لهُو است. ۲. احترازی بودن. به این معنا که قید اضلال برای خارج کردن برخی مصادیق و افراد لهُو است و همه‌ی لهوها ناروا و مستوجب عذاب نیستند. در اصطلاح علم اصول فقه، اصل در قیود احترازی بودن آنهاست و در هنگام شک در توضیحی یا احترازی بودن یک قید، حکم به احترازی بودن آن می‌شود.

از جمله در آیاتی از سوره‌ی جمعه آمده است: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْؤًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ و چون تجارت یا لهُوی ببینند به سوی آن روی آور می‌شوند و تو را درحالی‌که ایستاده‌ای ترک می‌کنند بگو آنچه نزد خداست از لهُو و از تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است (جمعه، ۹-۱۱).

به نظر می‌رسد لهُو در این آیات نیز، به معنای آنچه از یاد خداوند جلوگیری می‌کند، نیست بلکه به معنی فعالیت غافل‌کننده و سرگرم‌کننده است و چون آنچه در اینجا، مورد غفلت واقع شده نماز جمعه بوده این لهُو مانعی برای ذکر خدا محسوب شده است؛ همان‌طور که تجارت نیز فعالیتتی است که



به خودی خود موجب غفلت از یاد خدا نمی‌شود.

همچنین در سوره‌ی منافقون آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل نگرداند و هر کس چنین کند آنان خود زیانکاران‌اند (منافقون، ۹).

در این آیه نیز به نظر می‌رسد «تلهکم» که از ریشه لهو است به معنی غافل کردن است. عبارت عن ذکر الله نشان می‌دهد که مذمت لهو مقید به هنگامی است که موجب غفلت از یاد خدا می‌شود.

نظیر این معنا در روایات وجود دارد، مثلاً در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آلات لهو مانند غنا و تار زدن که موجب غفلت از یاد خدا می‌شوند، حرام هستند، (حر عاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۳۳۱). بنا بر اینکه اصل در قیود، احترازی بودن آن‌هاست، در این روایت نیز قید غفلت از یاد خدا در واقع برای خارج کردن مصادیقی از لهو در شمول حکم (حرمت) بر آنهاست.

چند دسته روایت نیز در تأیید این احتمال که معنای لهو نکوهیده نباشد وجود دارد:

دسته اول: روایاتی که اصل لهو را نکوهش نمی‌کنند، بلکه افراط و زیاده‌روی در آن را نکوهش می‌کنند؛ برای نمونه از امام علی علیه السلام نقل شده است: زیاده‌روی در لهو، مایه‌ی حماقت است (حر عاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۵۸۹)؛ همچنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: زیاده‌روی در لهو مایه‌ی کم‌خردی است (حر عاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۶۱۵). در این روایات آنچه از آن نهی شده، زیاده‌روی در لهو است و لهو به‌خودی‌خود، نکوهیده نیست.

دسته‌ی دوم: روایاتی که در آنها عمل لهوی مستلزم تکامل انسان و هدفمند دانسته شده است. بعضی از این روایات در کتب مهم روایی شیعه مانند کافی و خصال نقل شده‌اند و بعضی نیز ابتدا در منابع اهل سنت ذکر شده و سپس در کتب شیعه به نقل از آن‌ها، آورده شده‌اند. روایاتی که در کتب مهم روایی شیعه نقل شده‌اند دو روایت هستند:

روایت اول: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به غیر از سه مورد، همه لهوهای مؤمن باطل است: تربیت اسب، تیراندازی و لذت بردن از همسر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰). امام خمینی علیه السلام درباره‌ی این روایت گفته‌اند: یادآوری برخی از استثنائات درباره‌ی لهو در این روایت از باب نمونه است و هر لهوی که اهداف عقلایی داشته باشد باطل به شمار نمی‌رود؛ همچنین از منظر ایشان لهو مطلقاً حرام نیست (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۵ و ۳۶۹). بعضی مثل مرحوم نراقی معتقدند مفهوم لهو مجمل است؛ بدین‌جهت که در لغت به معنی مشغول شدن، غفلت و وانمود کردن به مشغول بودن و در برخی موارد لعب (بازی کردن) است و مشخص نیست کدام‌یک از این معانی مقصود شارع است؛ بنابراین نمی‌توان گفت تمامی مصادیق لهو حرام هستند و تنها در جایی که نص و تصریح شرعی در این خصوص وجود دارد، امور لهوی حرام هستند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۵).



روایت دوم: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: لهُو انسان مؤمن در سه مورد است: بهره‌گیری از همسر، شوخی کردن با برادران دینی و خواندن نماز شب (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۱). از آنجاکه در روایت دوم استثنائات متفاوتی از روایت اول یعنی شوخی کردن با برادران دینی و خواندن نماز شب ذکر شده، این روایت مؤید دیدگاه گذشته در مورد این است که بیان بعضی از موارد استثنا شده در روایات از باب نمونه است. چالشی که ممکن است در دلالت این روایت بر مطلوب مطرح شود این است که بکارگیری واژه لهُو در برخی موارد (نماز شب) تنزیلی و از باب مجاز است و لهُو دانستن نماز شب، با توجه به اینکه این معنا تنها در یک روایت آمده، امری قابل مناقشه است.

اما روایاتی که در منابع اهل سنت ذکر شده سه روایت هستند که با چشم‌پوشی از ایراد سندی، می‌توان این روایات را مؤید روایات دسته اول به شمار آورد. آنچه در بهره‌گیری از این روایات، ورای دلالت بر روا بودن لهُو، مهم است، کاربرد واژه‌ی لهُو در موارد ذکر شده (اسب‌دوانی، تیراندازی، شنا و ریسندگی) در عصر معصومین علیهم السلام است.

روایت اول: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: بهترین لهُوها نزد خدا، اسب‌دوانی و تیراندازی است (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۸؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹).

روایت دوم: در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است: به لهُو و بازی مشغول شوید چراکه دوست ندارم در دین شما سخت‌گیری دیده شود (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۲۹؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹).

روایت سوم: همچنین در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: بهترین لهُو مرد مؤمن، شنا و بهترین لهُوزن، ریسندگی است (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴۶؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۷۳).

به‌هرحال می‌توان از مطالب گفته شده به این نتایج رسید:

- بعضی از معانی لغوی عام بودن معنی لهُو را تأیید می‌کنند.

- امور لهُوی معمولاً با لذت بردن و تمایل همراه است که از این حیث لهُو با سرگرمی قرابت مفهومی دارد.

- لهُو معمولاً انسان را از کارهای دیگر غافل می‌کند که از این حیث نیز لهُو قرابت مفهومی با سرگرمی دارد.

- متفکران اسلامی، در نکوهیده بودن معنای لهُو، اختلاف نظر دارند

۶. لعب

به باور دانشمندان، گرایش به «بازی» در زمان‌های بسیار قدیمی‌تر از انسان‌های مدرن، در انسان‌های نخستین و از میلیون‌ها سال پیش وجود داشته است. بر این اساس بازی، سنگ بنای پیشرفت و تکامل برای سرگرمی‌های مدرن است (اوهلر و نیدینگ، ۲۰۰۶، ص ۴۲۹)؛ بنابراین بجاست معادل



این واژه در منابع اسلامی؛ یعنی لعب نیز مورد بررسی قرار گیرد. درباره واژه لعب نیز مانند واژه لهو ابهاماتی وجود دارد. لعب در کتب لغت این گونه تعریف شده است:

- عملی که فایده و نفعی نمی‌رساند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶۷).
- عمل بدون انگیزه و هدف درست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴۱).
- عمل غیر جدی که انسان را به مقصود خود نمی‌رساند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۳۹).
- گفته یا عملی که عقلاً از آن هدف مفیدی قصد نمی‌شود و فرد عاقل به آن رغبت نشان نمی‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۹۷).

به بیان مرحوم علامه طباطبایی، لعب عملی است که بر اساس تخیلات انجام می‌شود و غرض و پیامد آن امری غیرواقعی و خیالی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۳۴). با توجه به این معانی به نظر می‌رسد بین لعب و برخی از سرگرمی‌های ناروا از این رو که یا هدف، نفع و آثار مورد انتظاری ندارند یا اهداف خیالی و غیرعقلانی دارند، قرابت مفهومی وجود دارد. همچنین بر اساس تعریف سوم، کارهای جدی لعب نیستند؛ اما نکته‌ی برجسته این است که آیا مفهوم لعب تنها دربرگیرنده‌ی سرگرمی‌های ناروا می‌شود یا مفهومی عام دارد و دربرگیرنده‌ی سرگرمی‌های مطلوب نیز می‌شود؟ در ادامه به بررسی آیات قرآن با توجه به این نکته می‌پردازیم.

آیات نکوهش‌کننده‌ی لعب نیز مانند واژه لهو، بسیار است. این واژه و مشتقات آن هجده بار در قرآن استعمال شده که معنای آن فقط در یکی از این استعمال‌ها (در داستان حضرت یوسف) نکوهش نشده است. این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

دسته اول آیاتی هستند که در آنها تعبیر به بازی گرفتن دین به کار رفته و از آن نهی شده است؛ مانند این آیه که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنها که دین شما را به باد استهزاء و بازی گرفته‌اند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرست و دوست خود مگیرید (مانده، ۵۷؛ نیز نک به: انعام، ۷۰؛ اعراف، ۵۱).

با دقت در این دسته آیات روشن می‌شود، بازی گرفتن دین به تمامی یا بازی گرفتن برخی از ارکان دین مانند نماز که از امور جدی و غیر تفریحی هستند و بازی شمرده نمی‌شوند، نکوهش شده است و نه نفس بازی کردن.

دسته دوم آیات، آیاتی هستند که در آنها سرگرم شدن به دنیا بدون توجه به آخرت نکوهش و بازی با دنیا شمرده شده است؛ از جمله در سوره‌ی انعام آمده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ الْآجِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ و زندگی دنیا چیزی جز لعب و لهو نیست و سرای آخرت برای



آنها که پرهیزگارند بهتر است آیا نمی‌اندیشید (انعام، ۳۲؛ نیز نک به: اعراف، ۹۸؛ انبیا، ۲؛ عنکبوت، ۶۴؛ محمد، ۳۶ و حدید، ۲۰).

روشن است که دنیاطلبان و اعراض‌کنندگان از آخرت، در زندگی دنیایی خود به امور جدی اشتغال دارند؛ اموری که بازی محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین در این آیات به بازی گرفتن دنیا و زندگی دنیایی که به بیان حضرت علی علیه السلام می‌بایست مزرعه آخرت باشد، نکوهش شده است، نه اینکه زندگی دنیایی به‌راستی بازی باشد. به اصطلاح این کاربرد و سخن راندن، تنزیلی است نه حقیقی.

دسته سوم آیاتی هستند که در آنها غفلت از روز قیامت و سرگرم شدن به بازی‌ها نکوهش شده است؛ مانند این آیه که می‌فرماید: «فَدَرَّهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يَلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ»؛ آنها را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه‌ور و سرگرم بازی باشند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و دستاورد کار خود را ببینند) (زخرف، ۸۳؛ نیز نک به: انعام، ۹۱؛ طور، ۱۲؛ معارج، ۴۲).

در این دسته، آیات بازی کردن به همراه فرورفتن در باطل و بی‌پروایی به انگیزه‌های حقه، یعنی خوض مطرح شده است. بر اساس این آیات، انسانی که در زندگی از انگیزه‌های حق روی‌گردان می‌شود و در باطل فرو می‌رود، به‌راستی کارهای حقی را که جدی و برجسته هستند، به بازیچه تبدیل کرده است؛ بنابراین بازی کردن که به صورت فعل مضارع به کار رفته، برای شیوه و واقعیت زندگی منغم و فرورفته در باطل است.

دسته پنجم آیاتی هستند که در آنها بازی در برابر حق مطرح شده است. از جمله درباره‌ی خلقت آسمان و زمین که حق است و لعب و بازی نیست: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست برای بازی نیافریدیم* ما آن دو را جز به حق خلق نکرده‌ایم؛ ولی بیشترشان [به حقایق] آگاهی ندارند (دخان، ۳۸ و ۳۹؛ نیز: انبیا، ۱۵ و ۵۵).

مفاد این دسته از آیات در واقع مانند دسته‌ی پیشین است. به این معنا که دارا بودن صفت حق و همراهی با آن در برابر بازی و خوض و فرورفتن در باطل به معنای بازی کردن شمرده شده است. سرّ این کاربرد این است که با نبود ویژگی حق‌مداری در زندگی و نداشتن غایت حق و درست (که معادل زیستن بر مدار باطل است) گویی زندگی واقعی جدی نیست و به‌راستی انسان این‌چنینی هنوز به بلوغ نرسیده و تنها بازیچه‌های او در مقایسه با دوران کودکی، دگرگونی پیدا کرده است.

در همه‌ی این موارد، برای لعبی که نکوهیده است، معنایی استعاری و مجازی (بازی تنزیلی و به منزله بازی) مطرح شده؛ اما در برخی بیانات شرعی، لعب در معنای نکوهیده استعمال نشده است؛ مثلاً در سوره یوسف، لعب، در مفهومی خنثی استعمال شده و از قول برادران یوسف گفته شده است:



﴿أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ﴾؛ فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند (یوسف، ۱۲). در این آیه گفته شده که یوسف و بنا بر بعضی قرائت‌ها برادران او، می‌خواسته‌اند به لعب بپردازند و از سیاق آیات می‌توان فهمید که حضرت یعقوب علیه السلام نیز، مخالفتی با آن نداشته است. در تفسیر این آیه در بین مفسران اختلاف وجود دارد؛ بعضی مکلف نبودن و کودکی یوسف را دلیل جواز لعب او دانسته‌اند؛ بعضی گفته‌اند منظور از لعب در اینجا بازی‌های مباح است و بعضی مراد از لعب را دوندگی، مسابقه اسب‌سواری، تیراندازی دانسته‌اند که به دلیل نتایج مطلوب آن، مانند جنگیدن با دشمن و نجات دادن گوسفند از چنگال گرگ، حرام نبوده است (طارمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲). در این نظرات به غیر از نظری که مکلف نبودن و کودکی یوسف را دلیل جواز لعب او می‌دانست، طبق دو نظر دیگر، معنای لعب شامل لعب حلال و مطلوب نیز می‌شود. بعضی از مفسران برای اثبات ضرورت و مطلوبیت عموم تفریح و بازی (و نه فقط دوندگی، مسابقه اسب‌سواری، تیراندازی) به همین آیه تمسک کرده‌اند. ایشان گفته‌اند که مهم‌ترین دلیلی که موجب شد حضرت یعقوب درخواست فرزندانش را قبول کند، نیاز یوسف به تفریح بود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۶۸). به غیر از این آیه، در برخی روایات نیز به لعب سفارش شده است، به عنوان نمونه در روایتی آمده است: مؤمن اهل شوخی و مزاح (لعب) است ولی منافق اخمو و ترشرو است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۳).

بر این اساس لعب، فقط به معنی بازی بی‌هدف یا با هدف غیرعقلانی نیست و به بازی‌های دارای هدف عقلانی نیز، گفته می‌شود؛ بنابراین معنای لعب به‌طور مطلق، نکوئیده نبوده و بعضی از سرگرمی‌های مطلوب را نیز، شامل می‌شود.

۷. لغو

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با سرگرمی که چه‌بسا انگاشته شود معادل با آن است، مفهوم لغو است. در کتاب‌های لغت برای لغو این تعاریف ذکر شده است:

- کلام لغو آن چیزی است که مورد اعتنا نیست و از روی بیش و تفکر رانده نمی‌شود (راغب اصفهانی، ص ۷۴۲).

- لغو دو معنای ریشه‌ای دارد؛ معنای اول: چیزی که مورد اعتنا نیست؛ معنای دوم: شیفته‌ی چیزی شدن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۵۵).

- لغو دربرگیرنده‌ی گفتار یا عمل یا موضوعی خارجی می‌شود که از مصادیق آن سوگند (چنانچه بدون توجه قلبی و مصمم بودن ادا شده باشد) و گفتار بیهوده و عمل (چنانچه نفعی به دنبال نداشته باشد) است و هر باطل یا لهوی لغو نیز هست (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۰، ص ۲۰۸).

- هر عمل و گفتاری که مورد اعتنا نباشد و هیچ سودی که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد، نداشته باشد و به‌گونه‌ای که گفته‌اند دربرگیرنده‌ی همه‌ی گناهان می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۴۴).



در قرآن کریم هنگام روبه‌رو شدن با لغو، روی‌گردانی (اعراض) از آن و برخورد بزرگوارانه سفارش شده است. در سوره‌ی مؤمنون آمده است: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ و همانان [مؤمنان] از لغو روی‌گردانند (مؤمنون، ۱-۳)؛ همچنین در توصیف اهل ایمان در سوره قصص آمده است: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ؛ و هنگامی که لغوی بشنوند از آن روی برمی‌گردانند (قصص، ۵۵). از آنجاکه در این آیه کسانی که به لغو می‌پردازند، نادان خطاب شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت لغو ملازم با نادانی است (قرآنتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۷۴).

همچنان که در سوره‌ی فرقان نیز آمده: «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند (فرقان، ۷۲).

روایاتی درباره این آیات نقل شده است. از جمله در روایتی درباره‌ی آیه ۳ سوره مؤمنون نقل شده که منظور از لغو در این آیه غنا و ملامتی است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۸). در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لغو به این معنی است که کسی به دروغ سخنی را به تو نسبت بدهد و یا اینکه تو را به داشتن صفتی معرفی کند که آن صفت در تو نیست و تو به خاطر خدا به او اعتراض و اعتنایی نکنی (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۰۹). درباره‌ی آیه‌ی ۷۲ سوره فرقان نیز روایاتی نقل شده که لغو بر غنا تطبیق شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، باب ۹۹، ح ۱۹؛ نیز نک به حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، باب ۱۰۱، ح ۲).

درواقع در این روایات به بعضی از مصادیق گفتار یا افعال بیهوده و غافل‌کننده که لغو هستند، اشاره شده است.

اما در جمع بین دلالت این آیات و روایات با روایاتی که بخشی از زندگی مؤمنانه را به لذت بردن از لذات حلال (از جمله سرگرمی‌ها) اختصاص داده‌اند، باید گفت که بر اساس روایات درباره‌ی لذات حلال، سرگرمی انگیزه‌ی عقلایی دارد. اگرچه مصادیق و مواردی از سرگرمی‌ها ممکن است، لغو باشند که این اختصاص به سرگرمی نداشته و در هر فعل و گفتاری جاری است؛ اما سرگرمی به‌خودی‌خود فاقد انگیزه‌ی عقلایی و دستاورد اخروی نیست.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی مفهوم‌شناسی واژگان کار، اوقات فراغت، سرگرمی، لهو، لعب و لغو آشکار شد:
 - مراد از کار هرگونه فعالیت است که شأن مزد گرفتن در قبال آن وجود دارد. در جریان صنعتی شدن جوامع، این مفهوم به‌کلی متباین از مفهوم سرگرمی گشته و از ارزش آن در برابر سرگرمی کاسته شده است. از دیدگاه اسلامی سرگرمی و اوقات فراغت فقط قسمت محدودی از سبک زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهد و ارزش فعالیت‌های دیگر انسان مثل فعالیت‌های کاری نباید تحت تأثیر ارزش آن باشد.



- مراد از اوقات فراغت ساعات و اوقاتی است که انسان در آن به سرگرمی‌ها می‌پردازد؛ بنابراین اوقات فراغت، مفهومی خاص‌تر از اوقات آزاد شده از اوقات کاری و یا اوقات لذت‌بخش و یا اوقاتی با کارکردهایی چون خودشکوفایی، خودیابی، شادی و مانند آن است و اموری چون خوابیدن، غذا خوردن، مراقبت از سلامتی خویش، عبادت و یا مناسک مذهبی و مانند آن فعالیت فراغتی و سرگرمی شمرده نمی‌شوند.

- سرگرمی بر اساس آموزه‌های اسلامی فعالیتی در اوقات فراغت و حالت نفسانی است که با اختیار به صورت فعالانه و یا منفعلانه، بدون شائبه دستمزد گرفتن در قبال آن، به انگیزه مقاصدی مانند ایجاد خرسندی و تفریح، تفنن و تنوع، شکوفایی فردی و اجتماعی، برطرف کردن خستگی و رهایی از یکنواختی انجام می‌شود. سرگرمی موجب رهایی از مسئولیت‌های اساسی خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی انسان نمی‌شود؛ چراکه تا زمانی که انسان عقل، قدرت، اختیار و آگاهی دارد، مسئولیت نیز خواهد داشت.

- مراد از لهو سرگرم شدن از کاری به کار دیگر است؛ بر اساس این معنا لهو به خودی خود کار نکوهیده‌ای نیست و بین معنای لهو و سرگرمی چه مطلوب و چه نامطلوب، قرابت مفهومی وجود دارد.

- مفهوم لعب علاوه بر بازی بی‌هدف یا دارای هدف خیالی و غیرعقلانی، شامل بازی‌هایی که هدف واقعی و عقلانی دارند نیز، می‌شود؛ بنابراین معنای لعب به‌طور مطلق، نکوهیده نبوده و بعضی از سرگرمی‌های مطلوب را نیز، شامل می‌شود.

- لغو فاقد هدف عقلانی و بیهوده است و موجب غفلت از یاد خدا می‌شود و به خودی خود معنای نکوهیده‌ای دارد. بر این اساس برخی از سرگرمی‌ها لغو و برخی دیگر لغو شمرده نمی‌شوند.



منابع

قرآن کریم.

۱. نهج الفصاحه، پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، تهران، دنیای دانش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۶. المصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی.
۷. باهنر، ناصر و شرف‌الدین، سیدحسین، «تکاپوی نظری برای کشف مواضع هنجاری اسلام درباره‌ی سرگرمی»، (۱۳۹۱)، معرفت فلسفی، شماره ۳۶، صص ۱۵۷-۱۹۴.
۸. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰)، غررالحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب اسلامی.
۹. توسلی، غلام‌عباس، (۱۳۷۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، قم، اسراء.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت.
۱۲. خمینی، روح‌الله، (۱۴۱۵)، مکاسب محرمة، قم، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۳. دامرودی، حمید، «چند نکته برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت»، (۱۳۸۹)، پیوند، شماره ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱، صص ۴۰-۴۳.
۱۴. دومازدیه، ژوفر، «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»، (۱۳۵۲)، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، صص ۲۳-۱۲.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان- سوریه، دار العلم- الدار الشامیه.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۱)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر.
۱۷. شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۱)، همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۸. طارمی، حسن، «بازی»، در کتاب دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۷۵)، تهران، بنیاد دایره‌ی المعارف اسلامی.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مصحح: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
۲۱. فرحناک، علیرضا، (۱۳۹۰)، موضوع‌شناسی در فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. قرآنی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.



۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۶. میرزا خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، اسلامیه.
۲۷. میرزایی، خلیل، (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران، فورژان.
۲۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیه.
29. Bruce, Steve & Yearley, Steve, (2006), The SAGE Dictionary of Sociology, London, SAGE Publications.
30. Clarke, John & Critcher, Chas, (1985), The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain, London, Macmillan.
31. Darity, William, editor in chief, (2008), International Encyclopedia of the Social Sciences, 2nd edition, Macmillan Reference USA.
32. Ohler, Peter & Nieding, Gerhild, Article "An Evolutionary Perspective on Entertainment" in Psychology of entertainment book, (2006), New York, Routledge.
33. Parker, Stanley, (1976), The Sociology of Leisure, London, George Allen & Unwin Ltd.
34. Smelser, Neil & Baltes, Paul, (2001), International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, Elsevier Science.
35. Surdam, David George, (2015), Century of the Leisured Masses Century of the Leisured Masses Entertainment and the Transformation of Twentieth-Century America, New York, Oxford University Press.